

غزل شماره ۳۹

باغِ مراچه حاجتِ سرو و صنوبر است؟
شمشادِ خانه پرورِ ما از که کمتر است؟

ای نازنینِ پسر، تو چه مذهب گرفته‌ای؟
کِتِ خونِ ما حلالِ تر از شیرِ مادر است

چون نقشِ غم ز دورِ بینی شرابِ خواه
تشخیصِ کرده‌ایم و مداوا مقرر است

از آستانِ پیرِ مغان، سرچراکشیم؟
دولت در آن سراو کثایش در آن در است

یک قصه بیش نیست غمِ عشق، وین عجب
کز هر زبان که می شنوم، نامکرر است

دی وعده داد و صلح و در سر شراب داشت
امروز تا چه گوید و بازش چه در سر است

شیراز و آبِ رکنی و این بادِ خوش نسیم
عیش مکن که خالِ رُخ، هفت کشور است

فرق است از آبِ خضر که ظلمات جای او است
تا آبِ ما که مَبْعَثِ الله اکبر است

ما آبروی فقر و قناعت نمی بریم
با پادشاه بکوی که روزی مقدر است

حافظ چه طرفه شاخ نبات است کَلکِ تو
کش میوه دلپذیر تر از شهد و شکر است

تفسیر فال

کسی که قصد دارد با وعده‌ها و وعیدها شما را فریب دهد، باید به شدت مراقب باشید و هوشیارانه عمل کنید. در این دنیای پر از چالش‌ها و وسوسه‌ها، انتخاب درآمد حلال و اندک بر درآمد حرام و کلان می‌تواند مسیر زندگی شما را به طور قابل توجهی تغییر دهد. هنگامی که در سخنان خود، ذکر خداوند را فراموش نکنید، آنگاه او خود راههایی را برای برآورده کردن نیازهای شما فراهم خواهد کرد و می‌تواند شما را از فقر به مرحله‌ای از رفاه و پادشاهی برساند. برای دستیابی به اهدافتان لازم است که هفت خوان رستم را طی کنید؛ یعنی با صبر، پشتکار و تلاش مستمر از موانع عبور کنید. همچنین، قناعت یکی از کلیدهای خوشبختی است؛ وقتی قانع باشید، زندگی برایتان شیرین‌تر خواهد شد تا جایی که طعم آن حتی از شکر نیز لذت‌بخش‌تر باشد.

به کوشش : [پارسی دی](#)

منبع تفسیرها: [آلامتو](#) و [سلام دنیا](#)